

ساختار قشربندی اجتماعی جامعه شهری ایران در دو دهه اول نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۰ و ۱۳۷۰)

علی رجبلو^{۱*}، زهرا طهماسبی^۲

(تاریخ دریافت ۸۹/۱۱/۲۳، تاریخ پذیرش ۹۰/۶/۱۵)

چکیده

در این مقاله با استفاده از رهیافت وبر، ساختار قشربندی جامعه شهری ایران در نظام جمهوری اسلامی در دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ بررسی شده است. بر مبنای این رهیافت، تحلیل ساختار قشربندی بر اساس این سه بعد است: بهره‌مندی از ابزارهای فعالیت اقتصادی، داشتن مهارت و صلاحیت، استفاده از فرصت‌های زندگی. روش اجرای تحقیق، تاریخی است و منابع داده‌های آن، آمار سرشماری ده‌ساله نفوس و مسکن ایران در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ بوده که از سوی مرکز آمار ایران جمع‌آوری شده است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد با وجود برنامه‌های توسعه در پس از انقلاب به‌ویژه در دهه دوم، در بین قشر کارفرمایان همچنان مناسبات سنتی چیرگی داشته و کارکنان مستقل این قشر سنتی متوسط در بعد از انقلاب رشد زیادی کرده است. قشرهای متوسط نیز به‌ویژه در بخش دولتی، در نتیجه سیاست‌های گسترش طبقات متوسط دولتی، به‌خوبی رشد کرده‌اند تا چرخ‌های

*alirajabloo_4038@yahoo.com

۱. هیئت علمی دانشگاه الزهرا
۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

توسعه دولتی را بچرخانند. اما در بخش خصوصی - که بیشتر کارگران و کارمندان دون پایه در این بخش مشغول به فعالیت بودند - رشد نزولی داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: جامعه شهری، نظام جمهوری اسلامی، دوران سازندگی، جنگ، قشربندی اجتماعی.

مقدمه

هر انقلاب سیاسی ای زمانی می‌تواند مدعی آن شود که انقلاب اجتماعی است که جامعه قدیم را به شکلی موفقیت‌آمیز به جامعه‌ای جدید تبدیل کند. از عناصر مهمی که باید دگرگون شود، عواملی است که باعث نارضایتی جامعه از حکومت سابق بوده است؛ این عوامل ممکن است سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی باشد. از آنجا که انقلاب اسلامی جنبشی فراطبقاتی بوده است، به این معنا که ائتلاف گسترده‌ای از گروه‌ها و طبقات اجتماعی مختلف را دربرمی‌گرفت؛ پس از سرنگونی رژیم سابق، این طبقات اجتماعی تقاضاهای خود را مطرح کردند. دولت جمهوری اسلامی نیز در دهه اول حیات خویش کوشید گروه‌ها و طبقات اجتماعی گوناگون را چه فرادست، چه میانی و چه فرودست از خود بیگانه نکند و به‌نحوی حمایت و رضایت همه آن‌ها را جلب کند. این سیاست برآمده از عدالت‌خواهی و مساوات‌جویی حاکم بر دولت بود. در عصر انقلاب، تمام مرزبندی‌های اجتماعی‌ای که در دوره پهلوی شکل گرفته بود، برهم خورد و تغییرات بسیاری در ساختار ارزش‌ها، سبک زندگی، نوع رفتار و ساختار جمعیتی به‌وجود آمد. این دگرگونی‌ها خواسته یا ناخواسته باعث تحولات بزرگی در ساختار قشربندی جامعه شهری ایران شد؛

تحولاتی که به‌سبب بروز جنگ، که در فاصله بسیار کوتاهی پس از پیروزی انقلاب اتفاق افتاده بود و برخی حتی از آن به شکل انقلاب دوم در ایران یاد می‌کرده‌اند، تمام مرزبندی‌های قبلی را برهم زد و روابط جدیدی را جایگزین آن کرد (عیوضی، ۱۳۸۵: ۱۹۷).

دگرگونی در عرصه اجتماعی که از ابتدای انقلاب آغاز شده بود، در شرایط سیاسی و اقتصادی دهه اول رشد کرد و در دهه دوم انقلاب به شکل برجسته‌ای آشکار شد. آرام‌آرام با

دور شدن از مبدأ انقلاب و کنار رفتن هاله ارزشی جنگ تحمیلی، نزدیک به یک دهه با اجرای برنامه‌های موسوم به سازندگی و سیاست‌های اجرا شده در دو برنامه توسعه، در کنار تحولات ساختاری در عرصه‌های گوناگون (مثل افزایش نسبت شهرنشینی، افزایش باسوادی، افزایش جمعیتی و تحولات فرهنگی و اجتماعی)، لایه‌های اجتماعی ساختار قشربندی جامعه ایران - که در دوره قبلی مرزبندی‌های آن به هم خورده بود - بر اثر امنیت و ثبات نسبی و توجه به رشد اقتصادی، با منافع مشخص، سبک زندگی و ارزش‌های خاص شکل گرفت.

تحولات ساختار قشربندی اجتماعی ایران را این‌گونه می‌توان فرمول‌بندی کرد:

- قشربندی جامعه شهری ایران در دو دهه اول جمهوری اسلامی بر پایه ابعاد قشربندی

اجتماعی، دچار چه دگرگونی‌هایی شده است؟

- مناسبات قشربندی جامعه شهری ایران در دهه ۱۳۶۰ چگونه بوده است؟

- مناسبات قشربندی جامعه شهری ایران در دهه ۱۳۷۰ چگونه بوده است؟

چارچوب نظری

جامعه‌شناسی معاصر دو رهیافت اصلی در بررسی قشربندی اتخاذ کرده است که یکی از افکار مارکس و دومی از افکار وبر مایه می‌گیرد. در جایی که مارکس نابرابری اقتصادی را ریشه تمام نابرابری‌ها می‌داند، وبر بر عوامل دیگری که می‌تواند نابرابری را پیروانند تأکید می‌کند؛ این عوامل ممکن است سیاسی و یا اجتماعی باشد. پژوهشگر نیز در بررسی تطوّر قشربندی اجتماعی جامعه شهری ایران از رهیافت دوم (برخاسته از افکار وبر) استفاده کرده است. طرح وبر با تعریف مارکس همانندی کلی دارد و هر دو به ساده‌ترین صورت ممکن قشربندی اجتماعی را در رابطه با مفاهیم اقتصادی بررسی کرده‌اند؛ اما وبر تأکید اصلی خویش را بر نحوه توزیع اشیاء باارزش و بنیادی قرار می‌دهد. به زبان وبر، این چیزهای باارزش همان «وسایل سودمند» هستند؛ اشیائی مانند «کالاهای مادی» خاصه دارایی و ثروت، «خدمات انسانی» یعنی مهارت‌های شخصی، و «نیروی کار». به این ترتیب، طبقه فقط مجموعه‌ای از افراد است که موقعیت مشترکی در بازار دارند و بنابراین از منافع اقتصادی و فرصت‌های زندگی همسانی برخوردارند (گرب، ۱۳۸۱: ۷۲).

در اینجا باید به این نکته اشاره کرد که وبر بین ایده طبقه و مفهوم مرتبط با آن، ولی جدا از آن، یعنی مفهوم طبقه اجتماعی تمایز قائل می‌شود؛ زمانی که اعضای طبقه از پایگاه مشترک و منافع مشترکی که گروه‌های حقیقی و اجتماع‌ها اطلاع پیدا کنند به طبقه اجتماعی تبدیل می‌شوند. با در نظر گرفتن عنصر اضافی ذهنی، تعداد زیادی طبقه اقتصادی - که به عقیده وبر در نظام سرمایه‌داری وجود دارد - در هم می‌آمیزند و به مجموعه‌ای محدود تبدیل می‌شوند که از چهار طبقه تشکیل شده است. نخست بورژوازی است که به دو طبقه تقسیم می‌شود: یکی دارایی بسیار زیادی را کنترل می‌کند، یعنی سرمایه‌داران بزرگ و دیگری دارایی تولیدی تقریباً کمی در اختیار دارد، یعنی خرده‌بورژوازی. وبر تهیدستان را نیز به دو دسته تقسیم می‌کند: آن‌هایی که مهارت دارند و آن را برای فروش به بازار عرضه می‌کنند و کسانی که به‌جز نیروی کار، هیچ در اختیار ندارند. بنابراین، بین بورژوازی بزرگ و توده پرولترها دو طبقه متوسط نیز وجود دارد: ۱. مالکان کوچک و مستقل کارگاه‌ها، شرکت‌ها و مزارع؛ ۲. طبقه حقوق‌بگیری که کارهای یدی انجام نمی‌دهند و از آموزش و مهارت‌های خاصی در زمینه‌هایی همچون حقوق، پزشکی و علوم برخوردارند (همان، ۷۵). گورویچ هم در این باره می‌گوید ماکس وبر بیش از مارکس به این قشرهای متوسط توجه کرده است:

در دیدگاه وبر، از لحاظ تملک دو طبقه ممتاز (صاحبان انحصارها) و مابقی جمعیت وجود دارد. از لحاظ شیوه‌های دسترسی، طبقه بالا شامل افراد ممتازی است که انحصار رهبری تولید و توزیع را در اختیار دارند، و در مقابل آن طبقه کارگران است، و طبقه متوسطی مرکب از دهقانان، پیشه‌وران و کارمندان دولتی یا غیردولتی در میان آن طبقه قرار دارد. بر اساس «نصیب افراد»، وبر طبقات را این‌گونه از هم متمایز می‌کند: ۱. پرولترها؛ ۲. خرده‌بورژوا؛ ۳. روشنفکران و اهل فن بی‌بضاعت؛ ۴. طبقه دارا و ممتاز (گورویچ، ۱۳۵۷: ۱۴۴-۱۴۷).

با در نظر گرفتن رهیافت وبری، ساختار قشربندی اجتماعی جامعه شهری ایران را می‌توان با توجه به این سه بعد بررسی کرد: بهره‌مندی از ابزارهای فعالیت اقتصادی، داشتن مهارت و صلاحیت، استفاده از فرصت‌های زندگی. اختیارات و بهره‌مندی از ابزار فعالیت‌های اقتصادی موقعیت ممتازی پیش‌روی صاحبان آن‌ها قرار می‌دهد. داشتن مهارت و صلاحیت امتیاز مثبتی برای عرضه آن در بازار است که از راه یادگیری آموزش‌های مدرن به‌دست می‌آید. دارندگان آن، موقعیت و قدرت خویش را مرهون مهارت و صلاحیت خود در حوزه‌های مختلف

می دانند. منظور از فرصت های زندگی هم دسترسی به امکانات گوناگونی است که به فرد اجازه می دهد به هدف های خود برسد؛ برای مثال امکان دستیابی به شغل یا ازدواج موفق. فرصت های زندگی به طور یکسان توزیع نشده است و به جایگاه فرد در نظام قشر بندی اجتماعی بستگی دارد. «اگر خرید فرصت های زندگی امکان پذیر باشد که هست، درآمد در آن نقش تعیین کننده ای خواهد داشت.» (تامین، ۱۳۷۳: ۹۴). با توجه به آنچه گفته شد، افرادی که از لحاظ بهره مندی از ابزار تولیدی در موقعیت اقتصادی مشابهی قرار دارند و از میزان مهارت و صلاحیت برابری برخوردارند و در نتیجه از فرصت های همسانی در زندگی استفاده می کنند، در قشر اجتماعی یکسانی هم قرار می گیرند. بر اساس این سه بعد، می توان گفت در باب مناسبات اقتصادی «مالکیت و سایل تولید فعالیت اقتصادی سرمایه داران را در مقام کارفرمایان، و خرده بورژوا را در مقام غیر کارفرمایان متمایز می سازد.» (بهداد و نعمانی، ۱۳۸۶: ۶۳). بر اساس مدل زیر که نگارندگان آن را از کار بهداد و نعمانی الهام گرفته اند، «ندارندگان» و سایل تولید را می توان در چهار جایگاه قرار داد که بر حسب موقعیتشان در میزان بهره مندی از «فرصت های زندگی» و «داشتن مهارت و تخصص» تفکیک شده اند؛ پس جامعه شهری ایران را می توان در شش قشر زیر خلاصه کرد:

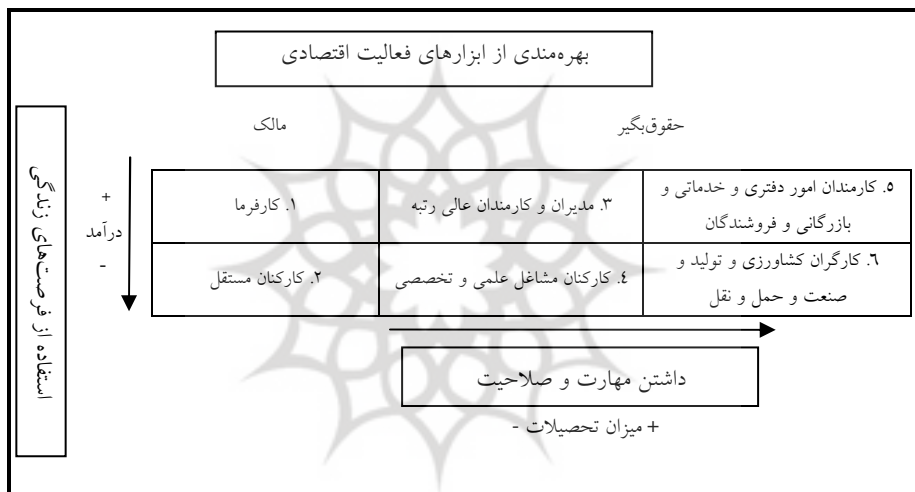
کارفرمایان: بر اساس تعریف سازمان آمار، کارفرمایان کسانی اند که برای انجام فعالیت های شغلی خود دست کم یک نفر حقوق بگیر در استخدام داشته باشند و کسانی که در انجام فعالیت های شغلی خود، فقط از کارکنان فامیلی بدون مزد استفاده می کنند (سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور سال ۶۵).

کارکنان مستقل: کسانی که برای انجام فعالیت های شغلی خود فرد حقوق بگیری در استخدام نداشته باشند و خود نیز مزد و حقوق بگیرند، کارکن مستقل به شمار می آیند (همان جا). این قشر ممکن است که به کار کارکنان فامیل بدون مزد وابسته باشند.

کارکنان و مدیران عالی رتبه: این قشر اگرچه فاقد ابزار تولیدند، به دلیل برخورداری از مدارک تحصیلی و درآمد بالا از موقعیت ممتازی در سنخ شناسی قشرهای جامعه شهری ایران برخوردارند. اینان در واقع مزد بگیران ممتاز بخش دولتی و خصوصی اند.

کارکنان مشاغل علمی و تخصصی: این گروه شامل تمام حقوق بگیران بخش دولتی و خصوصی اند که دارای مهارت و تخصص اند؛ بدنه اصلی طبقه متوسط را تشکیل می دهند؛ هرم

این طبقه شامل مدیران و کارکنان عالی رتبه است. کارمندان امور دفتری و خدمات و فروشندگان: این قشر را کارمندانی تشکیل می دهند که مدارک تحصیلی بالایی ندارند و به کار یدی می پردازند. این گروه به دلیل نداشتن مهارت به راحتی با دیگری جایگزین می شوند. همچنین با درآمد کم، چندان از فرصت های زندگی برخوردار نیستند و از جهات زیادی زندگی شان شبیه به کارگران است. کارگران بخش کشاورزی و تولید: فاقد ابزار فعالیت اقتصادی اند، میزان تحصیل و درآمد اندکی دارند و به راحتی با دیگران جایگزین می شوند.



شکل ۱ سنخ شناسی قشر بندی اجتماعی ایران

مناسبات قشر بندی اجتماعی نظام جمهوری اسلامی در دهه های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ تلاش برای فهم تغییرات اجتماعی همواره مطلوب نظر جامعه شناسان بوده است؛ زیرا تغییر برای حفظ و دوام ساختار اجتماعی لازم و ضروری است. در نتیجه تغییرات است که ارزش ها، هنجارها، عقاید و سبک های نوین زندگی شکل می گیرد. در جدول زیر ترکیب قشر بندی دو دهه اول انقلاب نمایش داده شده است.

جدول ۱ ترکیب قشربندی در جامعه شهری ایران در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵

۱۳۷۵ % (۱۰۰۰ نفر)		۱۳۶۵ % (۱۰۰۰ نفر)		
۵/۶	۳۷۶/۲	۴/۲	۲۰۵/۴	کارفرمایان
۱۸/۷	۷۰/۵	۳/۹	۷۰/۵	مدرن
۸۱/۳	۳۰۵/۶	۹۰/۷	۱۸۶/۳	سستی
۲۲/۳	۱/۵۲۴	۱۷/۳	۸۴۵/۲	اقتدار متوسط
۱۲/۵	۱۹۱/۱	۶/۸	۵۷/۵	بخش خصوصی
۸۷/۵	۱/۳۳۳	۹۳/۲	۷۸۷/۷	بخش دولتی
۳۴/۳	۲/۳۵۰	۳۵/۵	۱/۷۳۸	کارکنان مستقل
۶	۱۴۱/۴	۲/۳	۴۱/۱	مدرن
۹۴	۲۲۰/۸	۹۷/۷	۱/۶۹۷	سستی
۱/۶	۱۱۰/۱	۱	۴۶/۶	کارکنان فامیلی بدون مزد
۳۶/۲	۲/۴۸۴	۴۲	۲/۰۴۹	کارگران
۵۳/۶	۱/۳۳۳	۴۷/۹	۹۸۰/۶	بخش خصوصی
۴۶/۴	۱/۱۵۱	۵۲/۱	۱/۰۶۹	بخش دولتی
۱۰۰	۶/۸۴۵	۱۰۰	۴/۸۸۴	کل

دگرگونی در عرصه اجتماعی که از ابتدای انقلاب آغاز شده بود، در شرایط سیاسی و اقتصادی دهه اول رشد کرد و در دهه دوم انقلاب به گونه‌ای برجسته ظاهر شد. دهه شصت مصادف با حوادثی بود که در نتیجه آن، ساخت و ترکیب قشربندی جامعه شهری ایران انقلابی تغییر کرد. این تحولات از یک سو تغییر ساختار سیاسی و تبدیل نظام سلطنتی به جمهوری اسلامی در دهه اول انقلاب و پیامدهای خاص آن نظیر تغییر نظام حکومتی، افزایش دامنه نفوذ دولت و تمرکزگرایی، ملی شدن برخی صنایع و مخالفان این سیاست‌ها بود و از سوی دیگر شامل جنگ و سیاست‌های پوپولیستی اقتصادی دوران آن، برنامه مشوق ازدیاد جمعیت و غیره بود. افزایش کارکنان مستقل به همراه کارکنان فامیلی بدون مزد- که در انقلاب اسلامی نقش

بسیاری داشتند- و در مقابل، کاهش قشرهای متوسط و کارگران نشانه‌ای بر تأیید ماهیت خرد بورژوازی داشتن دولت است. در دوره سازندگی خط مشی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تغییر کرد. با دور شدن از انقلاب و به کنار رفتن هاله ارزشی جنگ تحمیلی، قریب به یک دهه با اجرای برنامه‌های موسوم به سازندگی و سیاست‌های اجرا شده در دو برنامه توسعه در کنار تحولات ساختاری در عرصه‌های گوناگون، به تدریج لایه‌های اجتماعی ساختار قشر بندی جامعه ایران- که در دوره قبلی مرز بندی‌های آن به هم خورده و نوعی بی ثباتی در میان قشرهای اجتماعی به وجود آمده بود، به گونه‌ای که امکان تحرک اجتماعی عجولانه را برای تمام گروه‌های جامعه به ارمغان آورده بود- در نتیجه امنیت و ثبات نسبی، رشد اقتصادی و تغییر ملاک‌های ارزش گذاری اجتماعی، با منافع مشخص و سبک زندگی و ارزش‌های خاص شکل گرفت و مرز بین طبقات و گروه‌های اجتماعی محسوس شد. مهم‌ترین تحول، رشد گروه‌های متوسط بود که به دلیل اهمیت یافتن مهارت و تخصص در انجام امور مختلف و بهبود ملاک‌های انتخاب افراد برای انجام پست‌های گروه‌های متوسط پدید آمده بود. این تغییر نشانه‌ای بر تأیید ماهیت فن سالار بودن دولت در دهه ۱۳۷۰ است.

جدول ۲ میزان تحصیلات کارکنان مشاغل مختلف سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ (درصد)

کارفرمایان ۱۳۷۵ ۱۳۶۵	کارکنان مستقل ۱۳۷۵ ۱۳۶۵	مدیران و کارمندان عالی رتبه ۱۳۷۵ ۱۳۶۵	کارمندان مشاغل علمی و تخصصی ۱۳۷۵ ۱۳۶۵	کارمندان امور دفتری و ... ۱۳۷۵ ۱۳۶۵	کارگران ۱۳۷۵ ۱۳۶۵
۵۲ ۴۷	۵۷ ۴۴	۱۵ ۱۷	۹ ۹	۴۹ ۴۱	۷۰ ۴۸
۲۶ ۲۱	۱۹ ۱۴	۳۶ ۳۸	۳۴ ۵۳	۴۰ ۲۸	۱۷ ۱۲
۱۰ ۶	۳ ۲	۴۶ ۴۰	۵۵ ۳۵	۸ ۴	۲ ۱
۱۲ ۲۶	۲۱ ۴۰	۴ ۲	۱ ۱	۲ ۲۷	۱۱ ۳۹
۸۸ ۷۴	۸۰ ۶۰	۹۸ ۹۶	۹۹ ۹۹	۹۸ ۷۳	۸۹ ۶۱

(منبع: سرشماری سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵)

میزان تحصیلات معیاری برای سنجیدن میزان برخورداری گروه‌های مختلف از مهارت و تخصص‌های مدرن برای انجام مشاغل مدرن است. بر اساس جدول شماره دو، سطح سواد سرمایه‌داران و کارکنان مستقل در این دو دهه، در حد دبیرستان است. بسنده کردن این دو

گروه به تحصیلات در حد دبیرستان، نشانه چیرگی موقعیت سنتی در میان آنهاست. در مقام مقایسه می توان گفت کارکنان مشاغل علمی و تخصصی و سپس مدیران و کارمندان عالی رتبه، یعنی قشرهای متوسط که بیشتر در استخدام دولت هستند، جایگاه تحصیل کرده ترین قشرها را داشته اند. ملاک برتری این گروه ها، تحصیلات عالی آنان است. گروه های تحصیل کرده کانون پویای اجتماعی و سیاسی اند؛ به همین دلیل رشد و گسترش آنان در هر جامعه ای باعث شکوفایی و رونق آن جامعه می شود؛ به ویژه در دهه ۱۳۷۰ آنان فرصت یافتند افکار و عقاید خود را در زمینه آزادی، دموکراسی و قانون گرایی - که در دهه قبل طرفداری نداشت - دوباره گسترش دهند. اما در مورد کارمندان امور دفتری می توان گفت سطح سواد آنان اندک است و اغلب در حد نیازمندی شغلشان بوده است. کارگران نیز از طیف متنوعی تشکیل شده اند. رشد صنایع مدرن و نیاز به کارگران ماهر، کارگران متخصصی را به وجود آورده است که تحصیلات قابل توجهی هم دارند. در مقابل، کارگران نیمه ماهر و فاقد مهارت هستند که مشغول انجام کارهای روزمزدی یدی اند که به تخصص چندانی هم نیاز ندارد.

درآمد خانوار به اعضای آن اجازه می دهد تا با حفظ الگوهای مناسب مصرف و شیوه زندگی، در چارچوب ساختار طبقاتی موجود عمل کنند. از این لحاظ، سطح درآمد عامل معتبری است در تعیین امکانات متمایز زندگی افراد (یا خانواده هایشان) بر حسب طبقه ای که در آن جای دارند. میزان دسترسی خانوار به منابع کمیاب، درآمد آن را تعیین می کند. دارایی های مالی و اموال درآمدزای سرمایه داران و خرده بورژوازی، و همچنین مهارت، امتیاز و کیفیت کار فکری و یدی مزدگیران از عوامل مهم تعیین کننده درآمد به شمار می روند (بهداد و نعمانی، ۱۳۸۶: ۲۶۶). بر اساس جدول شماره سه، کارفرمایان یکی از مرفه ترین گروه های شغلی هستند و کوچک ترین درصد خانواده ها را در میان پایین ترین گروه های هزینه دارا هستند و بالاترین درصد نسبت به هر وضع شغلی دیگر را در گروه پردرآمد دارند.

جدول ۳ توزیع هزینه خانوار بر حسب وضع شغلی سرپرست خانوار در مناطق شهری سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۷۶ (درصد)

سایرین ۱۳۷۶ ۱۳۶۴	کارکنان بخش دولتی ۱۳۷۶ ۱۳۶۴	کارکنان بخش خصوصی ۱۳۷۶ ۱۳۶۴	کارکنان مستقل ۱۳۷۶ ۱۳۶۴	کارفرمایان ۱۳۷۶ ۱۳۶۴
۵۰ ۵۷	۲۹ ۲۶	۵۳ ۵۲	۳۷ ۴۰	۲۱ ۱۷
۳۴ ۳۰	۴۷ ۴۷	۳۵ ۳۷	۴۳ ۴۲	۳۷ ۳۸
۱۵ ۱۴	۲۴ ۲۷	۱۳ ۱۰	۲۰ ۱۸	۴۲ ۴۵
۱۰۰ ۱۰۰	۱۰۰ ۱۰۰	۱۰۰ ۱۰۰	۱۰۰ ۱۰۰	۱۰۰ ۱۰۰
۱۷ ۲۴	۵ ۳	۱۳ ۱۱	۸ ۹	۴ ۲
۷ ۷	۱۲ ۱۴	۶ ۴	۹ ۹	۲۷ ۲۹

(منبع: نعمانی و بهداد، ۱۳۸۶: ۲۷۳)

گروه مرفه بعدی کارکنان دولت‌اند. کارکنان دولت مدیران و کارمندان عالی‌رتبه تا کارگران این بخش را شامل می‌شوند که موقعیت ممتازی در جایگاه اقتصادی دارند. کارکنان دولت به همراه کارفرمایان، کوچک‌ترین درصد خانواده‌ها را در میان پایین‌ترین گروه‌های هزینه دارند و بالاترین درصد نسبت به بقیه در گروه پردرآمد را دارند. فقط نزدیک به یک‌چهارم خانوارهای کارکنان دولتی شهری در ۴۰ درصد پایین در سال ۱۳۶۴ قرار داشتند و ۴۷ درصد آنان جزء گروه‌های هزینه متوسط بوده‌اند. در دهه بعدی، تغییرات اندکی در موقعیت نسبی به وجود آمد که نشان‌دهنده توجه دولت به آنها بوده است. توزیع خانوارهای کارکنان مستقل در نواحی شهری - که بیشتر سستی هستند - به لحاظ هزینه خانوار تقریباً همسان است. به عبارتی، تقریباً ۴۰ درصد در خانوارهای کم‌درآمد، ۴۰ درصد در خانوارهای با درآمد متوسط و ۲۰ درصد در بالاترین سطح درآمد بوده است. در نتیجه، غنی یا فقیر پنداشتن آنها نادقیق است؛ زیرا آنان توانسته‌اند موقعیت خویش را در هر گروه درآمدی حفظ کنند. کارکنان بخش خصوصی، در قالب یک گروه مشتمل بر کارکنان کم‌مزد طبقه کارگر تا مدیران و کارمندان عالی‌رتبه‌اند که توزیع آنان طیف وسیعی را در برمی‌گیرد. در کل، نسبت خانوارهای کارکنان بخش خصوصی در ۴۰ درصد پایین خانوارهای شهری افزایش یافته و نسبتشان به افراد ۴۰ درصد میانه کاهش پیدا کرده است که وضعیت بد اقتصادی بخش خصوصی را نشان می‌دهد.

ساختار قشر بندی اجتماعی جامعه شهری ... _____ علی رجبلو و همکار

برای درک بهتر موقعیت قشرهای مختلف اجتماعی، با توجه به ابعاد قشر بندی، لازم است به تفکیک آن‌ها را بررسی کنیم.

موقعیت کارفرمایان

کارفرمایان یا همان سرمایه‌داران همان صاحبان وسایل تولید هستند و تنها نقش آن‌ها در جامعه، سودسازی است (لهسایی زاده، ۱۳۸۰: ۷). کارفرمایان به دو گروه شغلی مدرن و سنتی تقسیم می‌شوند. منظور از زیرگروه‌های شغلی مدرن- یعنی امور مدیریتی اجرایی و حرفه‌ای و فنی- کارفرمایانی است که مشاغلشان شبیه به کسانی است که در نظام‌های اقتصادی بازار صنعتی شده فعالیت دارند. پیچیدگی‌های فعالیت‌های اقتصادی در مؤسسات مدرن سرمایه‌داران فعالی را می‌طلبند که برخلاف مالکان غایب، پیشینه و موقعیت شغلی و مدیریتی قوی داشته باشند. اما کارفرمایان سنتی کسانی‌اند که مقوله‌های شغلی‌شان در حوزه‌های دفتر، فروش و خدمات، کشاورزی یا تولید قرار می‌گیرد. عصر انقلاب در ایران با گسترش وسیع بخش دولتی از راه ملی کردن صنایع، بانک‌ها و دیگر مؤسسات اقتصادی، و توسعه گسترده بنیادهای تحت کنترل دولت آغاز شد. در ادامه این روند، بخش خصوصی و سرمایه‌داران آن بر اثر احساس ناامنی، به فروش سرمایه‌های منقول و غیرمنقول خود پرداختند و مؤسسات اقتصادی‌شان را به تعطیلی کشاندند.

جدول ۴ ترکیب موقعیت شغلی کارفرمایان (درصد)

سال ۱۳۶۵	سال ۱۳۷۵	موقعیت شغلی
۳/۷	۴/۵	اجرایی و مدیریتی
۵/۵	۶/۱	حرفه‌ای و فنی
۱/۹	۹/۰	دفتری و مشابه
۲۱/۲	۲۲/۲	فروش و خدمات
۸/۴	۷/۴	کشاورزی
۵۴/۲	۴۸/۴	تولید
۵	۲/۴	طبقه‌بندی نشده
۱۰۰	۱۰۰	جمع

همان‌گونه که جدول بالا نشان می‌دهد، بخش تولید در مقایسه با سایر بخش‌ها سهم بیشتری در دهه اول انقلاب داشته است. اقتصاد ایران اقتصادی وابسته بود و بیشتر، ماشین‌آلات،

تکنولوژی و حتی نیروی کار آن به کشورهای غربی وابسته بوده است. با تیره شدن روابط ایران با غرب، این صنایع دچار مشکل شد؛ ولی صنایع کوچک و متوسط همچنان به رشد خود ادامه داد. برای مثال، بر اثر تحریم نظامی و عدم صدور تجهیزات نظامی به ایران، صنایع دفاعی و نظامی در مسیر خودکفایی رشد خوبی داشته است. در این دهه، بخش فروش و خدمات کاهش چشمگیری نسبت به دهه قبل از انقلاب داشته است. شاید علت آن، شرایط تحریم اقتصادی و جنگ تحمیلی بوده باشد. به دلیل تأثیرپذیری آن‌ها از نوسان‌های بازار خارجی و داخلی و شرایط بحرانی ایران - که با اشغال بندر خرمشهر و عدم استفاده کامل از ظرفیت بنادر واقع در مناطق جنگی آغاز شد - به کاهش توان شبکه حمل و نقل کالاها انجامید و موقعیت این قشر را ناپایدار کرد.

در دهه دوم انقلاب، با پشت سر گذاشتن تنش‌ها و مشکلات عصر انقلاب، بر اثر سیاست‌های آزادسازی اقتصاد و گسترش خصوصی‌سازی کم‌کم به تعداد سرمایه‌داران افزوده شد. نکته درخور ذکر در مورد این قشر، تحول در ترکیب دو بخش مدرن و سنتی آن است. تعداد کارفرمایان مدرن در مقایسه با دهه گذشته تقریباً دوبرابر شده است. شاید بتوان این افزایش را این‌گونه توجیه کرد که از یک‌سو با تأکید بر توسعه سرمایه‌داری صنعتی و ایجاد شرایط مطلوب برای گسترش این نظام بر تعداد این سرمایه‌داران افزوده شد؛ از سوی دیگر هم با فروکش کردن بی‌ثباتی‌ها، ایجاد امنیت اقتصادی بیشتر و تشویق دولت برای بازگشت سرمایه به داخل کشور، تعدادی از سرمایه‌داران مدرن به ایران بازگشتند.

از لحاظ اجتماعی در دهه ۱۳۶۰، با تبدیل جامعه به جامعه انقلابی و سپس جامعه در حال جنگ، تحولاتی در الگوی زیست و الگوی مصرف حاکم بر جامعه رخ داد. با ترویج الگوی ساده‌زیستی، ارزش‌های حاکم بر این قشر کم‌رنگ و کنار زده شد؛ به گونه‌ای که ارزش‌هایی چون تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی، رفاه‌طلبی و تظاهر در اقلیت و انزوا قرار گرفت؛ در نتیجه سبک زندگی این قشر، آداب و رسوم و نحوه گذران اوقات فراغت آنان - که سمبل تجمل و تظاهر بود - تغییر کرد. البته در دهه دوم انقلاب بر اثر بازگشت کم‌وبیش سرمایه‌های انباشته شده در خارج از کشور و نیز بازگشت گروه قابل توجهی از قشرهای مرفه ایرانی که در کشورهای غربی ساکن شده بودند، کم‌کم سبک زندگی تجمل‌گرا خودنمایی کرد و تقاضا برای کالاهای تجملی و لوکس - که نقطه مقابل کالاهای ضروری است - افزایش یافت.

از لحاظ سیاسی، به طور کلی منافع این قشر در رابطه مسالمت آمیز با حکومت تنیده شده است. این گروه در شرایط انقلابی عملاً منفعل اند و اغلب، در به ثمر رسیدن انقلاب کارکرد مثبتی نداشتند. بعد از انقلاب نیز گروهی از آنان به همراه سرمایه‌های جاری‌شان فرار کردند و اموال باقی‌مانده آنان مصادره شد. برای این گروه، جمهوری اسلامی موقعیت مناسبی برای انباشت سرمایه‌های آنان نداشت؛ زیرا در حالی که آرمان این طبقه، پیوستگی اقتصاد ایران به جریان آزاد تجارت جهانی از رهگذر سازگاری با قدرت‌های مسلط بر این جریان یعنی قدرت‌های غربی بود، جمهوری اسلامی منافع خود را نه در سازگاری بلکه در تضاد با غرب تعریف کرده بود. گروهی نیز به غریزه دریافتند که جمهوری اسلامی فقط نیروی سیاسی است که می‌تواند کلیت حاکمیت سرمایه را برای آنان حفظ کند؛ در نتیجه صنایع اغلب سودآور خویش را با مالکیت مشروع و مشروط و منطبق با موازین اسلامی حفظ کردند و به حیات خویش ادامه دادند.

موقعیت کارکنان مستقل

این قشر همان خرده‌بورژوازی هستند که معمولاً نیروی کار مزدبگیری را استخدام نمی‌کنند. به طور کلی، مشغول فعالیت‌های سستی خرده‌کالایی اند که در اصطلاح به آن «خرده‌پا» می‌گویند و اغلب به کارکنان فامیلی بدون مزد وابسته‌اند. کارکنان فامیلی بدون مزد افرادی اند که برای یکی از اعضای خانواده‌شان بدون دریافت مزد و حقوق کار می‌کنند (سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور سال ۱۳۶۵: ۵). کارکنان مستقل نیز مانند قشر کارفرمایان به دو گروه شغلی مدرن و سستی تقسیم شده است.

جدول ۵ ترکیب موقعیت شغلی کارکنان مستقل (درصد)

سال ۱۳۷۵	سال ۱۳۶۵	موقعیت شغلی
۱/۴	۰/۲	اجرایی و مدیریتی
۴/۶	۲/۱	حرفه‌ای و فنی
۰/۳	۰/۵	دفتری و مشابه
۳۰/۵	۳۰/۴	فروش و خدمات
۱۲/۲	۱۳	کشاورزی
۴۷/۶	۵۱/۸	تولید
۳/۴	۲	طبقه‌بندی نشده
۱۰۰	۱۰۰	جمع

با رشد و گسترش گروه‌های جدید، این طبقه متوسط مرفه که نیروی سنتی مهمی به‌شمار می‌آمد، موقعیت خویش را حفظ کرد و در این دو دهه به بزرگ‌ترین قشر اجتماعی تبدیل شد. در مورد افزایش تعداد باشندگان این قشر از بعد از انقلاب می‌توان گفت «در نتیجه طغیان اجتماعی، ستیزه‌جویی با سرمایه و شکستن حریم مالکیت همراه با اختلال و ازهم‌پاشیدگی دستگاه دولت پیشین، ساختار اقتصادی به سمت پزمردگی سرمایه‌داری و گسترش تولید خرده‌کالایی حرکت می‌کند.» (نعمانی و بهداد، ۱۳۸۶: ۱۶۱). این روند باعث شکوفایی و رشد این قشر می‌شود؛ طبقه‌ای که با سرمایه‌ای کم و بیش کار و کسی برای خود فراهم می‌کنند. پس از انقلاب، بازار همچنان برتری اقتصادی خویش را حفظ کرد و مرکز توزیع کالاها باقی ماند. در طول جنگ ایران و عراق هم، در جایگاه نهاد توزیع سهمیه، نقش مهمی داشت. در مورد نحوه ترکیب می‌توان گفت بخش تولید رشد داشته است. در بازار آشفته بعد از انقلاب که با کمبود مواد و تولیدات صنعتی روبه‌رو شد، بسیاری از متخصصانی که از بخش دولتی اخراج یا بازنشسته شده بودند، با ایجاد کارگاه‌های کوچک، تولیدکنندگان مبتکر کالاهای کمیاب شدند. بسیاری دیگر نیز به خرده‌فروشی روی آوردند که در رشد چشمگیر این قشر بی‌تأثیر نبوده است. در دهه ۱۳۷۰ با از بین رفتن بازارهای سیاه و نظام سهمیه‌بندی در دوره قبلی، رشد شرکت‌های سرمایه‌داری نوین و عادی شدن فعالیت‌های بازار، تولیدکنندگان بخش سنتی این قشر فعال‌تر شدند. از سوی دیگر، با مسلط شدن گرایش‌های نخبه‌گرایی، انضباط‌پذیری، اتخاذ سیاست‌های سرمایه‌دارانه و تعدیل اقتصادی، بخش مدرن نیز توانست وارد فعالیت‌های اقتصادی شود و بر تعداد آنان نسبت به دهه گذشته افزوده شود.

از لحاظ سیاسی و اجتماعی، اعضای این قشر اغلب محافظه‌کارند؛ زیرا تغییرات رادیکال در ساختارها را به نفع خود نمی‌بینند؛ بنابراین پیرو حفظ وضع موجودند تا منافعشان به خطر نیفتد. ولی در شرایط انقلابی به اقلیت رادیکال قشر خود پیوستند و در جریان انقلاب نقش مؤثری ایفا کردند. «بدین سان، پس از پیروزی انقلاب اسلامی نقش بازار در سیاست ایران افزایش چشمگیری یافت. طبعاً با توجه به هم‌پستگی تاریخی میان بازار و روحانیت، به قدرت رسیدن علمای دینی در انقلاب همراه با گسترش نفوذ سیاسی بازار بود.» (بشیریه، ۱۳۸۵: ۱۵۸). احزاب و گروه‌های سیاسی اسلامی بخش بزرگی از حمایت اجتماعی خود را از بازار کسب می‌کردند. شبکه ملی انجمن‌های اصناف بازار یکی از پشتوانه‌های حمایت از حکومت را

ساختار قشریندی اجتماعی جامعه شهری ... _____ علی رجبلو و همکار

تشکیل می‌داد. در سال‌های اولیه انقلاب، همه اصناف بازار در تهران در درون «جامعه اصناف» سازمان داده شدند. حزب جمهوری اسلامی در دوران فعالیت خود، حامیان فعال خود را از درون این بخش از بازار بسیج می‌کرد. با این حال، گسترش دخالت دولت در اقتصاد و از آن جمله اعمال کنترل ارزی - که به واسطه جنگ ایران و عراق و بروز مشکلات اقتصادی ضرورت یافته بود - مایه نارضایتی بخش‌هایی از بازار شد.

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که اگرچه پیوند بازار و روحانیت در این دو دهه ادامه پیدا کرد، روحانیان با دست‌یابی به قدرت دولتی و منافع دولتی - از جمله درآمدهای نفتی - استقلال بیشتری به دست آوردند و از میزان وابستگی اقتصادی آنان به بازار کاسته شد؛ درحالی که بازاریان برای دفاع از منافع خود بیش از پیش به روحانیان وابسته شدند و در جهت حفظ ارتباط خود با آنان کوشیدند.

موقعیت قشرهای متوسط

افزایش جمعیت که بر اثر کنار زدن سیاست‌های کنترل جمعیت در دهه اول انقلاب رخ داد، بالا رفتن سطح سواد و نیز گسترش مراکز آموزش عالی در عصر جمهوری اسلامی بر رشد و گسترش طبقه متوسط تأثیر عمیقی گذاشت. همان‌گونه که جدول شماره شش نشان می‌دهد، در این دو دهه، کارمندان بخش دولتی رشد چشمگیری داشته‌اند؛ زیرا جمهوری اسلامی در گسترش طبقه متوسط دولتی نقش فعالی داشته و درحالی که درآمدهای انحصاری منابع زیرزمینی را در دست دارد، به بزرگ‌ترین نهاد اشتغال‌زایی تبدیل شده است. کارشناسان و متخصصان بخش دولتی در فعالیت‌های مختلف خدمات اجتماعی و اقتصادی مشغول بوده‌اند.

جدول ۶ ترکیب موقعیت شغلی اقشار متوسط (درصد)

سال ۱۳۷۵	سال ۱۳۶۵	موقعیت شغلی
۱۰/۵	۲/۵	مدیران و کارمندان عالی‌رتبه بخش خصوصی
۲/۹	۰/۸	مدیران و کارمندان عالی‌رتبه بخش دولتی
۷۷	۹۰/۷	کارمندان مشاغل علمی و تخصصی بخش خصوصی
۹/۶	۶	کارمندان مشاغل علمی و تخصصی بخش دولتی
۱۰۰	۱۰۰	جمع

در مورد مدیران و کارمندان عالی‌رتبه - که رأس هرم طبقات متوسط را تشکیل می‌دهند - باید گفت با بروز انقلاب اسلامی و تأکید بر استقرار جمهوری اسلامی، مدیران و متخصصان عالی‌رتبه‌ای که با رژیم قبلی رابطه نزدیکی داشتند، همراه با سرمایه‌داری کمپرادور از عرصه قدرت سیاسی و اقتصادی رانده شدند. در این دهه نیز با تغییراتی که در ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران به وجود آمد، عده‌ای عرصه را بر خود تنگ دیدند و ایران را ترک کردند. به دنبال ملی شدن بخشی از صنایع، طبقه متوسط دولتی در حال رشد بود؛ اما به دلیل غیبت مدیران و کارمندان عالی‌رتبه، بخش دولتی کارایی چندانی نداشت. نبود مدیران آموزش‌دیده و متخصصی که بتوانند جای مدیران بخش خصوصی را بگیرند، یکی از دلایل اصلی پیدایش بی‌نظمی در بخش صنعت بود که اغلب تحت تأثیر بی‌توجهی به صلاحیت علمی و کارشناسی مدیران این بخش بوده است؛ زیرا مدیران بیشتر بر اساس عقاید ایدئولوژیک خود و نه تخصص و مهارتشان برگزیده می‌شدند. البته، در دوران سازندگی با تشویق سرمایه‌گذاری و استقبال از مدیران تحصیل‌کرده و دانشگاهی در فضای اقتصادمحور پس از جنگ، اوضاع بهبود یافت.

دوره هشت‌ساله ریاست جمهوری آقای هاشمی، دوره مناسبی برای گسترش این قشر بوده است. اما با وجود رشد کمی این قشر، دولت به خواست‌ها و آرمان‌های تمام آنان توجه چندانی نداشت. البته گروهی از آنان جذب نظام شدند تا در قالب گروه‌های مدرن، از چهره سنتی و ایدئولوژیک نظام بکاهند. گروه کارگزاران سازندگی از نمایندگان این قشر شکل گرفته پس از انقلاب بود که در سال ۱۳۷۴ از درون نظام برآمد. این‌ها همان مستضعفان و توده‌های قبل از انقلاب بودند که با استفاده از فرصت‌های اقتصادی و آموزشی‌ای که انقلاب برای آنان فراهم کرده بود، به جرگه طبقه متوسط جدید پیوستند. اقتصاد، اصلی‌ترین شعار آن‌ها بود.

با وجود افزایش مدیران و کارمندان عالی‌رتبه با تحصیلات عالی، ساختار قدرت از به‌کارگیری آنان در تصمیم‌گیری‌های کلان خودداری کرد. ملاک‌گزینش برای پست‌های مهم و کلیدی، به جای دانش و قابلیت‌های لازم، همچنان اعتقادات ایدئولوژیک آنان بود.

البته بسیاری از این مدیران تجربیات خوبی در طی دوران فعالیتشان به دست آورده‌اند؛ اما نباید فراموش کرد که اولاً این تجربیات هزینه‌های زیادی برای جامعه دربرداشته است و

ساختار قشریندی اجتماعی جامعه شهری ... _____ علی رجبلو و همکار

ثانیاً هر مدیریتی نیاز به بازسازی و نوسازی دارد؛ گرچه دولت سازندگی به تخصص در انتخاب مدیران بهای بیشتری داده است (امیراحمدی، ۱۳۷۴: ۸۳).

از لحاظ سیاسی، در دوران سازندگی با ایجاد ثبات نسبی و اهمیت دادن سیاستمداران به این گروه و طرز فکرشان، زمینه برای تعامل و مشارکت سیاسی بیشتر برای آنان فراهم شد. از لحاظ اجتماعی هم در این دو دهه به‌ویژه در دوران سازندگی، این قشر - که دامنه آن روزبه‌روز در حال گسترش است - رفته‌رفته سبک و شیوه زندگی خویش را نمایان کردند. برای مثال، در زمینه فعالیت‌های آموزشی شاهد رشد مدارس غیرانتفاعی و افزایش واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی در شهرهای مختلف هستیم که امکان تحرک اجتماعی بیشتر فرزندان و نسل آینده را نوید می‌داد. از سوی دیگر، به دلیل تساهل فرهنگی ایجادشده، فعالیت‌های فرهنگی متعددی مثل انتشار روزنامه‌ها و مجلات با خطوط فکری مختلف و تولید فیلم و سریال با موضوعات مربوط به طبقات متوسط رونق یافت.

موقعیت قشرهای پایین

اعضای این قشر که پایین‌تنه هرم طبقه متوسط را تشکیل می‌دادند، بعد از انقلاب اسلامی حق خود را از انقلاب گرفتند. با تبدیل شدن دولت به نهاد عظیم اشتغال‌زایی، اکثر اعضای این قشر جذب بخش دولتی شدند. بر اثر جنگ و پیامدهای آن، دولت با پرداخت یارانه و نظام سهمیه‌بندی، آگاهانه یا ناآگاهانه در رشد این قشر تأثیرگذار بود.

جدول ۷ ترکیب موقعیت شغلی قشرهای پایین جامعه شهری (درصد)

سال ۱۳۶۵	سال ۱۳۷۵	موقعیت شغلی
۱/۴	۲/۹	کارمندان دفتری و مشابه خصوصی
۱۳/۳	۱۷/۷	کارمندان دفتری و مشابه دولتی
۶/۳	۹/۳	کارمندان فروش و خدمات خصوصی
۱۳/۲	۶/۶	کارمندان فروش و خدمات دولتی
۲/۱	۲/۳	کارگران کشاورزی خصوصی
۱/۳	۱/۱	کارگران کشاورزی دولتی
۳۸	۳۹/۱	کارگران تولید خصوصی
۲۴/۴	۲۱	کارگران تولید دولتی
۱۰۰	۱۰۰	جمع

به طور کلی، این قشر جهان‌بینی خاصی برای خود نداشتند و چندان با اندیشه‌های اجتماعی آشنا نبودند. آن‌ها در جریان انقلاب در همراهی با گروه‌های سنتی و جدید به مخالفت با رژیم پرداختند؛ ولی بعد از انقلاب، منافع آنان همسو با عقاید آزادمشنانه و قانون‌مدار طبقات متوسط نبود؛ به‌ویژه اینکه جنگ و تورم حاصل از آن، افزایش جمعیت و تجدید فشار اقتصادی بر این گروه، باعث شد منافعشان همسو با گروه‌های سنتی باشد. البته دولت نیز با رسیدگی‌های اقتصادی و اجتماعی به این قشر باعث شد تحرک اجتماعی و طبقاتی اندکی اتفاق بیفتد و گروه‌های پایین جامعه سعی کنند به این طبقه بپیوندند.

سیاست‌های دولت در این دهه اغلب در حمایت از این قشر بوده است. به‌دلیل بسیج سیاسی گروه‌های اجتماعی پایین و متوسط در شرایط جنگی، دولت ناچار بود دست‌کم سطحی از رفاه و درآمد را برای آن‌ها تأمین کند. دولت این کار را از طریق اشتغال‌زایی در دستگاه‌های دولتی یا پرداخت یارانه‌های گوناگون برای مسکن و اقلام پرمصرف انجام داد تا رضایت این طبقه را به‌دست آورد. در این دهه، دولت با سیاست‌های مردم‌گرایانه خود همچون توزیع یارانه‌ها، رسیدگی به گروه‌های آسیب‌پذیر و محرومیت‌زدایی عمومی در کشور تلاش می‌کرد حمایت اقشار پایین و کم‌درآمد شهری را به‌دست آورد. در این دهه، واژه «مستضعف» برای اشاره به محرومان و فقیران کاربرد بسیار پیدا کرد. این واژه ضمن اینکه مفهومی قرآنی بود، به افراد کم‌توانی اشاره داشت که به ارزش‌های مصرف‌گرایانه گروه‌های متوسط آلوده نشده بودند و به حمایت و توجه دولت نیاز داشتند. در دهه اول انقلاب، رسیدگی اقتصادی و اجتماعی به این قشر در صدر برنامه‌های دولت قرار داشت. البته باید به این نکته اشاره کرد که در این گروه کارگران متخصص و ماهری نیز بودند که پس از انتقال مالکیت برخی مؤسسه‌های بزرگ خصوصی به دولت، به‌عنوان کارگران بخش دولتی شناخته شدند. آنان موقعیت ویژه خود را همچنان حفظ کرده بودند و دولت نیز به‌دلیل احتیاج به مهارت و تخصصشان، امکانات لازم را در اختیارشان قرار می‌داد.

در دهه گذشته، باشندگان این قشر بر اثر سیاست‌های دولت انقلابی توانسته بودند موقعیت مناسبی برای خود فراهم آورند. در دهه دوم انقلاب، این گروه به دنبال حفظ موقعیت خود بودند که البته به‌سبب سیاست‌های تعدیل دولت‌سازندگی (اغلب در حمایت از تکنوکرات‌ها و بروکرات‌ها بود)، سیاست‌های تثبیتی و رسیدگی به گروه‌های آسیب‌پذیر، از اولویت

سیاست‌مداران تا حدی دور شد. همین مسئله باعث انتقاد و مخالفت جناح‌های مختلف سیاسی از دولت شد. با اینکه در برنامه اول و دوم توسعه بر عدالت اجتماعی تأکید شده بود، در عمل بیشتر به حمایت اقتصادی از گروه‌های خاص معطوف شد و از پوشش گسترده و ملی لازم برخوردار نبود. با اولویت دادن به رشد اقتصادی در مقابل بهبود اوضاع اقتصادی گروه‌های کم‌درآمد، نارضایتی این قشر برانگیخته شد.

در دهه دوم انقلاب کارگران بخش کشاورزی و تولید همچنان سیر نزولی داشتند. البته به دلیل اهمیت دادن دولت به بخش خصوصی و مسلم دانستن نقش خصوصی‌سازی و حمایت از نقش فعال آنان در روند اجرای برنامه‌های توسعه، مؤسسات اقتصادی خصوصی در این دهه افزایش یافتند؛ بنابراین کارگران تولیدی بخش خصوصی به ۶۱/۶ درصد رسیدند.

به غیر از کارگران ماهر و متخصص که با عنوان «اشراف کارگری» شناخته می‌شدند، کارگران نیمه‌ماهر و غیرماهری هم وجود داشتند. بر اثر از بین رفتن سیاست‌های توده‌ستایانه دهه قبل و تمرکز دولت بر روند نوسازی و اقتصاد آزاد، موقعیت اقتصادی این قشر تا حدی متزلزل شد. از سوی دیگر، به دلیل تورم حاصل از تک‌نرخ‌شدن ارز و شناوری نرخ آن، فشار اقتصادی شدیدی بر قشرهای کم‌درآمد ثابت از جمله کارگران وارد شد و نارضایتی اقتصادی وسیعی در سطح جامعه به وجود آمد. با افزایش فشار بر این طبقات، در دهه هفتاد چندین اعتراض خیابانی به وضع موجود شکل گرفت.

از دهه دوم انقلاب به بعد، تغییراتی در استفاده از برخی واژه‌ها و مفاهیم مشاهده شد که تأثیرات عمیق جامعه‌شناختی به دنبال داشت. یکی از این مفاهیم که با موضوع طبقات اجتماعی ارتباط دارد، «فقر و فقیر» است. در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب و جنگ تحمیلی، فقیران بیشتر با واژه «مستضعف» در جامعه شناخته می‌شدند. واژه مستضعف نه فقط بار منفی نداشت، بلکه حامل بار مثبت حاکمی از عزت و سربلندی این قشر بود. اما پس از جنگ تحمیلی و شروع دوران سازندگی، یعنی در دهه دوم انقلاب، کم‌کم واژه «قشر آسیب‌پذیر» جانشین واژه «مستضعف» شد که البته بار معنایی مثبتی نیز نداشت. قشرهای آسیب‌پذیر گروه‌هایی را شامل می‌شود که دریافت‌کننده کمک از سایر افراد جامعه باشند و متأسفانه مسئولان در این باره غفلت کرده‌اند. بنابراین، در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب، مستضعفان فقط نقش دریافت‌کننده کمک از دیگران را بازی نمی‌کردند و از این رو، آنان را نمی‌توان متعلق به

قشر فقیر در جامعه دانست. اما پس از آن دوران، فقیر کم‌کم معنای طبقه دریافت‌کننده کمک را پیدا کرد (عیوضی، ۱۳۸۲: ۲۰۰-۲۰۲)؛ در نتیجه عزت و افتخاری که در دهه گذشته برای این قشر قائل بود و دولت آنان را وارث حقه حکومت معرفی می‌کرد، به تدریج از بین رفت.

نتیجه‌گیری

بررسی تغییرات اجتماعی اهمیت زیادی دارد؛ زیرا این تغییرات با خود نظام ارزشی، فرهنگی و سبک‌های نوین زندگی را به همراه خواهد آورد. تغییر در ساختار اجتماعی و مرزبندی‌های آن در ارتباط متقابل با تغییر در ساختار سیاسی و اقتصادی جامعه است؛ به این معنا که وقوع تحولات سیاسی و اقتصادی یا اجتماعی بر ترکیب گروه‌های اجتماعی تأثیر خواهد داشت. جامعه ایران نیز جامعه پویایی است که بعد از انقلاب دچار تحولات مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شده است؛ در نتیجه ترکیب قشربندی جامعه شهری ایران در دو دهه اول انقلاب نیز تغییر کرده است. جایگاه، میزان اهمیت، کمیّت و کیفیت قشرهای مختلف اجتماعی در این دو دهه متفاوت بوده است. در دهه شصت به‌علت نزدیکی به انقلاب و پررنگ بودن ارزش‌های انقلابی و مردمگرا، طبقات پایین و ضعیف اهمیت ویژه‌ای پیدا کردند؛ اما در دهه هفتاد در پی دوران سازندگی، قشرهای متوسط مدرن یعنی فن‌سالاران موقعیت خویش را ارتقا دادند. همچنین خرده‌بورژوازی موقعیت خویش را حفظ کردند و در این دو دهه به بزرگ‌ترین قشر اجتماعی تبدیل شدند.

منابع

- امیر احمدی، هوشنگ. (۱۳۷۴). «ارزیابی عملکرد برنامه اول و چالش‌های برنامه دوم». *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*. ش ۹۳ و ۹۴.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی سیاسی؛ نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*. تهران: نشر نی.
- بهداد، سهراب و فرهاد نعمانی. (۱۳۸۶). *طبقه و کار در ایران*. ترجمه محمود متحد. تهران: آگاه.

ساختار قشربندی اجتماعی جامعه شهری ... _____ علی رجبلو و همکار

- تامین، ملوین. (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری های اجتماعی*. ترجمه عبدالحسین نیک‌گوهر. تهران: توتیا.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور سال ۱۳۶۵. تهران: مرکز آمار ایران.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور سال ۱۳۷۵. تهران: مرکز آمار ایران.
- عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۸۲). *تئوری های ساخت قدرت و رژیم پهلوی دوم*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- _____ (۱۳۸۵). *مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- گرب، ادوارد. (۱۳۸۱). *نابرابری های اجتماعی: دیدگاه های نظریه پردازان کلاسیک و معاصر*. ترجمه محمد سیاهپوشان و احمدرضا غروی زاده. چ ۲. تهران: معاصر.
- گوروچ، ژرژ. (۱۳۵۷). *مطالعاتی درباره طبقات اجتماعی*. ترجمه باقر پرهام. تهران: خوارزمی.
- لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۸۰). «نابرابری و قشربندی اجتماعی در ایران». *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*. دوره ششم. ش ۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی